

منیر طه
ونکوور، نوامبر ۲۰۰۵ ، به یاد و در سوکِ دکتر حسین فاطمی

ای سرور آزادگان، یادت گرامی باد به یاد و در سوکِ دکتر حسین فاطمی



وقتی که آن ابله به اعدام تو فرمان داد،
وقتی هزاران جان کنار جان تو جان داد،
وقتی سرود « زنده بادت» بر لب ت غلتید،*
خون‌خواهیت را ای به خون آغشته، فرمان داد

نام بلندت اینچنین ورد زبان‌ها شد
راه و روندت رهنمای رفتن ما شد
دیدِ چسان در دام، خودگسترده، در افتاد؟
دیدِ که آن بیمایه ابله چه رسوا شد؟

امروز چون دیروز باز از هول جان بگریخت
امروز چون دیروز در بیگانگان آویخت
باردگر این بی‌خرد با خفت و خواری
آن آبروی رفته را بر روی نامش ریخت

آخر به دامان که ریزم اشک این غم را
آخر کرا گویم غم این درد و ماتم را
آوخ که می‌سوزد هنوز آن خانه در بیداد
شادا که رفتی و ندیدی این جهنم را

هرگز مپنداری که یادت می‌رود از یاد
هرگز مپنداری که خاموش است این فریاد
آزادگی با یادِ هرآزاده، می‌بالد
ای سرور آزادگان، یادت گرامی باد

»* : پاینده ایران، زنده باد دکتر مصدق« آخرین کلامش در کشتارگاه.